



## Research Paper

# A Comparative Study of Scientific Theft in Iranian Laws and EU Member States

Ehsan Nemati<sup>1</sup>  Seyed Hassan Hosseini Moghaddam <sup>\*2</sup>

<sup>1</sup> Master of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.



10.22080/lps.2020.18367.1169

**Received:**

February 21, 2021

**Accepted:**

January 18, 2021

**Available online:**

February 22, 2021

**Keywords:**Author, Scientific Theft,  
Cultural Problem,  
European Union, Iran

## Abstract

Acquiring scientific degrees as well as accessing higher social positions can sometimes lead to a kind of unethical and abnormal behavior that is commonly referred to as "scientific theft"; in most societies denounced but this confrontation has been accompanied by weaknesses. In the present study, using a descriptive-analytic method, we will examine how the impact of societal culture on and against the theft of scientific theft? And what are some of the ways in which the laws of the country of Iran and the EU member states deal with the ominous phenomenon of "scientific theft"? The results show that the culture of each society has a significant impact on the level of scientific theft of its members, and in the EU member states, in addition to the laws, there is a strong emphasis on the implementation of educational policies to instill a proper and efficient research culture in society. However, several laws have been enacted in Iranian law, including the Comprehensive Law on the Protection of Authors, Authors and Artists, adopted in 1348, as well as the relatively specialized Law on Preventing and Combating Fraud in the Making of Academic Works, Adopted in 1986. They need to be run more efficiently. Another major problem in this regard is the violation of cultural principles, the disregard of the intellectual property rights of the copyright holders on the one hand, and the attainment of scientific degrees without direct and genuine research by some individuals resulting from the granting of false social value to those degrees in society.

\* **Corresponding Author:** Seyed Hassan Hosseini Moghaddam

**Address:** Department of Private Law, Faculty of Law  
and Political Science, University of Mazandaran,  
Babolsar, Iran.

**Email:** [s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir](mailto:s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir)

**Tel:** -

## مطالعه تطبیقی سرقت علمی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا

احسان نعمتی<sup>۱</sup> سیدحسن حسینی مقدم<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.  
<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.



10.22080/lps.2020.18367.1169

## چکیده

کسب مدارج علمی و همچنین دستیابی به موقعیت های اجتماعی بالاتر، گاهی اوقات موجب بروز نوعی از رفتارهای غیر اخلاقی و نا به هنجار می گردد که در عرف از آن به «سرقت علمی» یاد می شود؛ پدیده ی مذکور در بیشتر جوامع مورد مذمت و نهی قرار گرفته است؛ اما این مقابله با شدت و ضعفی همراه بوده است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، بررسی خواهد شد که فرهنگ جوامع تا چه اندازه بر میزان سرقت علمی و مقابله ی با آن تأثیر دارد؟ و اینکه در قوانین موضوعه کشور ایران و کشورهای عضو اتحادیه ی اروپا چه راهکارهایی جهت مقابله با پدیده ی شوم «سرقت علمی» در نظر گرفته شده است؟ نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که فرهنگ هر جامعه تأثیر به سزایی در میزان سرقت علمی اشخاص آن جامعه دارد و در کشورهای عضو اتحادیه ی اروپا گذشته از وضع قوانین، تأکید فراوانی بر اعمال سیاست های آموزشی در راستای القای فرهنگ پژوهشی مناسب و کارآمد به جامعه شده است، اگرچه در حقوق ایران نیز قوانین متعددی از جمله قانون عام «حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» در سال ۱۳۴۸ و همچنین قانون نسبتاً خاص «پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه ی آثار علمی» در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسیده اند؛ که ضرورت دارد به صورت کارآمدتری اجرا گردند. معضل اساسی در این راستا ناشی از اعطای ارزش کاذب اجتماعی به مدارج علمی در جامعه می باشد که برخی اوقات به نقض اصول فرهنگی، نادیده گرفتن ابعاد مادی و معنوی حق مؤلف و درنهایت تحصیل مدارج علمی بدون انجام پژوهش مستقیم و اصیل به وسیله ی برخی اشخاص منجر می گردد.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۱۰/۲۹

قابل دنالود از تاریخ:

۱۳۹۹/۱۲/۰۴

کلیدواژه ها:

پدیدآورنده، سرقت علمی، معضل فرهنگی، حقوق مالکیت فکری.

\*نویسنده مسئول: سیدحسن حسینی مقدم

آدرس: گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

ایمیل: [s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir](mailto:s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir)

تلفن: -

## ۱ مقدمه

این مهم به واسطه ی آموزش صحیح و پایه ای امکان پذیر می باشد. بررسی و شناسایی عوامل سرقت علمی می تواند کمک شایانی به مسیر علمی دانشجویان و مقابله با سرقت علمی نماید. عواملی همچون کمبود زمان، وجود کتب و مقالات به زبان های گوناگون و ترجمه ی آنها، اشخاص را به این امر سوق می دهد که از دسترنج علمی سایرین بهره ببرند. اگر این بهره مندی بدون رعایت اصول و ترتیبات علمی شکل گیرد، نه تنها ناپسند بوده و تقلب علمی تلقی شده و مسئولیت کیفری و مدنی را به همراه خواهد داشت، رخوت و کاهلی را نیز در جامعه ایجاد می نماید.

استفاده از اثر علمی دیگران با رعایت رسم امانت داری و ذکر نام صاحب اثر نه تنها یک ویژگی مثبتی می باشد، بلکه نمایانگر دسترنج و تلاش شخص دیگری است و این فایده را نیز به همراه خواهد داشت که جامعه از پژوهشگران انتظارات بیشتری پیدا می کند تا عصاره و تراوشات فکری خویش را فراتر از منابعی ارایه نماید که از آن بهره برده است، از این رو، تحصیل و ارایه دستاوردهای علمی نوین را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد. تحقق این مهم صرفاً با وضع قوانین موضوعه توأم با ضمانت اجرای سفت و سخت امکان پذیر نیست، بلکه ترویج بعد فرهنگی موضوع حائز اهمیت است، به طوری که جامعه باید بپذیرد حقوق مالکیت فکری صاحبان اثر علمی در جامعه دارای اعتبار و ارزش ویژه می باشد. به این شکل که تمام اشخاص جامعه نسبت به تعرض به این حقوق واکنش نشان دهند، همانند نقض حقوق مالی و یا ورود آسیب جسمانی و در نهایت از آن دفاع نمایند و مانع از بین رفتن قبح و زشتی نقض حقوق مالکیت فکری گردند. از این جهت نگاه فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اعتقادی شهروندان در رعایت حریم حقوق صاحبان اثر علمی بسیار موثر است.

انسان ها، موجوداتی هستند که از قوه ی تعقل و تفکر قدرتمندی برخوردارند که این مهم، عامل سلطه ی بلند مدت آنها بر این پهنه ی بی کران خاکی شده است. روح انسانی، فاقد خواص مادیت است، ولی به واسطه ی روح حیوانی که رابط میان روان و جسم انسان می باشد، آثار مادی پدید می آید. به عبارت دیگر، این انسان است که معنا را درک می کند و آن گاه از طریق علائم، آثار شنیداری دیداری و دیگر داده های حسی، به مرور در مغز انسان آثار مادی را به وجود می آورد. برای مثال، یک شاعر یا یک نویسنده، حقیقتی را از مجموعه ی حیات اجتماعی درک می نماید، سپس به کمک لغات و زبان آموخته شده، معانی نو و پیغام های ابتکاری می آفریند و به عموم ارائه می دهد (واعظ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶). عموم انسان ها در این میان به شکلی کاملاً عادی به زندگی می پردازند و درگیر روزمرگی شان هستند، اما تعداد محدودی از افراد با بهره گیری بیشتر از قدرت تفکر و استدلال، تاثیرات بلند مدت و انکار نشدنی بر زندگی خود، هم عصران و حتی آیندگان خود می گذارند. این تاثیرات، نتیجه ی خلاقیت و کارآمدی افکار افراد است که ارزشمند تلقی شده و دارای اعتبار مادی و معنوی فراوانی می باشد، به همین علت است که امروزه شاهد توسعه ی آفرینش های فکری و جایگاه بلند و مهم آن در جوامع گوناگون می باشیم (نعمتی، ۱۳۹۶: ۱).

با این توصیف می توان گفت که آفرینندگی و اختراع سخن خاص انسان است و این خلاقیت و نوآوری مختص انسان ها است (واعظ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰۵) و انسان نیز در راستای حفظ اثر و بهره برداری از نتایج فکری خود، به حمایت از سوی حکومت و احترام از سوی مردم نسبت به این آثار نیاز دارد.

مروزه، اساتید و مؤسسات علمی تمایل فراوانی به تغییر برخورد از حالت کشف و مجازات، به تربیت فرهنگی شهروندان و پیشگیری از پدیده ی سرقت علمی دارند که

## ۲ گفتار نخست: ماهیت، فرآیند شناسایی و تصویب قوانین بازدارنده ی سرقت علمی

### ۲٫۱ بند نخست: ماهیت سرقت علمی

پیشینه ی اصطلاحی سرقت علمی<sup>۱</sup> در زبان لاتین، به واژه هایی همانند آدم ربا یا غارتگر بر می گردد. به این جهت که این اصطلاح در دوران باستان برای اشخاصی همچون دزدان دریایی به کار می رفت و گاهی اوقات نیز کودکان را می دزدیده اند. از آنجاست که سرقت علمی به عنوان یک نوع سرقت در نظر گرفته می شود. از همین رو، برخی پژوهشگران، سرقت علمی (زاییده ی مغز) را به سرقت کودکان (زاییده ی انسان) تشبیه نموده اند (East, ۲۰۱۰, ۳۲)؛ Robinson, ۲۰۰۰, ۷۰. اما برخی در یک تعریف عام بیان داشته اند که سرقت علمی، ارائه اثر علمی شخص دیگر به عنوان کار خود می باشد (Carrol, ۲۰۰۷, ۱۳).

### ۲٫۲ بند دوم: فرآیند شناسایی سرقت علمی

در زمان های گذشته، به علت شرایط سخت زندگی و کمبود امکانات، امکان ضبط و انتقال اندیشه ها و تراوشات ذهنی به شکل امروزی وجود نداشت و افکار و اندیشه ی دانشمندان و بزرگان به صورت کلامی و فرد به فرد نقل می شد. این احتمال نیز وجود داشت که چندین مرتبه در آن اندیشه، تحریف صورت گیرد و یا اینکه کلام مد نظر، به صورت اشتباه بین افراد منتقل شود. حتی تصور اینکه شخصی بخواهد نسبت به افکار و یا تراوشات ذهنی اش، رابطه ی مالکیت داشته باشد؛ امری بعید و کاملاً تعجب برانگیز تلقی می شد. به مرور زمان، با صنعتی شدن جوامع و پیدایش صنعت چاپ، فرصت انتشار اندیشه ها و افکار برای افراد صاحب اندیشه مهیا گشت. هم زمان با افزایش تولیدات و انتشار آثار فکری، بعد مالی آثار نیز همانند بعد معنوی آن، مورد توجه عموم قرار گرفت؛ در همین راستا به

جهت سعی انسان ها در دستیابی به سود و منافع بیشتر، نقض و سوء استفاده از آثار دیگران افزایش پیدا کرد (امامی، ۱۳۹۳: ۵۰). اسناد و مدارکی در ارتباط با حق کپی رایت از زمان های قدیم وجود دارد که نشان می دهد در یونان و روم باستان بهره برداری از یک اثر بدون اجازه ی صاحب و مؤلف آن، عملی غیر اخلاقی تلقی می شده و خشم مردم را بر می انگیزخته است. ولی به علت ارزش والای علم در آن جوامع، سرقت های علمی و ادبی با فرهنگ و روحیات مردم در تضاد بوده است (کیوان آذری، ۱۳۶۰: ۵). به مرور زمان، برخی پادشاهان در راستای حمایت از آفرینش ها و تألیفات فکری شهروندان قدم برداشته و برای ایده ها، افکار نوین و کارآمد آنها ارزش قائل شده و به آنها امتیازاتی را نیز اعطا کرده اند.

### ۲٫۳ بند سوم: تصویب قوانین بازدارنده ی سرقت علمی

حمایت از مالکیت های فکری، به شکلی آهسته و آن هم به صورت غیر رسمی صورت می پذیرفت، تا اینکه در قرن هجدهم میلادی وارد مرحله ی تازه ای شد و در کشورهای انگلستان، امریکا و فرانسه رسماً مورد شناسایی قرار گرفت و قوانین ملی در این رابطه به تصویب رسید (امامی، ۱۳۹۳: ۵۱). اولین قانون نیز در زمینه ی مالکیت فکری در سال ۱۷۱۰ در کشور انگلستان، به نام «آن»<sup>۲</sup> به تصویب رسید که به صورت تخصصی حق کپی رایت را مورد حمایت قرار داده است (میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲۹). در سطح بین المللی نیز برای اولین بار در سال ۱۸۸۳ کنوانسیون پاریس<sup>۳</sup> که شامل قواعد و مقرراتی در ارتباط با مالکیت های صنعتی و کنوانسیون برن<sup>۴</sup> در سال ۱۸۸۶ که شامل مقرراتی در ارتباط با مالکیت های ادبی هنری بود، مورد شناسایی قرار گرفت که تمامی این معاهدات تحت نظر سازمان جهانی مالکیت فکری، اداره و مدیریت می شدند (Wipo: ۲۰۱۷: ۲).

<sup>3</sup> Paris Convention

<sup>4</sup> Berne Convention

<sup>1</sup> Plagiarus

<sup>2</sup> An Law

## ۳ گفتار دوم: اثرگذاری فرهنگ جوامع بر میزان ارتکاب سرقت علمی در آن کشور

### ۳٫۱ بند نخست: بررسی رابطه ی بین سرقت علمی و فرهنگ در کشور ایران

انسان ها در طول زندگی به واسطه ی موقعیت های گوناگونی که در آن قرار می گیرند، با چالش های فراوانی روبه رو می شوند که جهت رفع آن به تعالی و پیشرفت نیازمند می باشند. در نتیجه، هر موقعیتی که انسان در آن قرار می گیرد، شرایط گوناگونی را به همراه خود دارد؛ به همین خاطر راه های رسیدن به تعالی و پیشرفت در آن حیطه نیز متغیر خواهد بود. یکی از موقعیت هایی که افراد به واسطه حضور در آن، احساس نیاز به تعالی و پیشرفت می کنند، مکان های علمی اعم از پژوهشکده ها و دانشگاه ها می باشد که اعضای آن به نحو اصولی، در راستای تولید آثار علمی و پژوهشی تلاش می نمایند.

اساساً میل به قدرت طلبی در ذات تمامی انسان ها نهادینه شده است و آنها را به انجام اعمالی وادار می نماید، که ممکن است اخلاقی و در مواردی غیر اخلاقی باشد، از این رو، باید توسط اشخاص مذکور کنترل و به سمت و سوی مثبتی سوق داده شود. در مکان های علمی و فرهنگی به جهت دستیابی به مراتب علمی بالاتر و موقعیت های بهتر، بیم رقابت های علمی ناسالم می رود؛ بدین صورت که شخص پژوهشگر، آثار علمی سایر پژوهشگران و نویسندگان را بدون ارجاع دهی در آثار خود مورد استفاده قرار دهد و حتی در موارد شدیدتر، آثار منتسب به دیگران را با نام خود منتشر و یا نام پدیدآورنده ی اثر را حذف کند؛ غافل از اینکه با این عمل، اخلاق حرفه ای حیطه ی شغلی خود را زیر پا گذاشته و به یک عمل غیر اخلاقی متهم شده است که در قوانین مرتبط با عنوان سرقت و یا تقلب علمی مورد بحث قرار می گیرد.

در نظام حقوقی کشور ایران به طور کلی در حوزه حقوق مالکیت فکری، برای اولین بار در سال ۱۳۰۴ قانونی به نام علامات صنعتی و تجاری در زمینه ی مالکیت صنعتی به تصویب رسید که به حمایت از طرح ها و ایده های صنعتی می پرداخت. در سال ۱۳۴۶ لایحه ای در خصوص مالکیت های فکری به مجلس تقدیم شد که در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ با عنوان قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مورد تصویب قرار گرفت که به مرور زمان الحاقاتی نیز در ارتباط با مدت زمان حمایت از آثار پدیدآورندگان، ضمیمه قانون شد و در حال حاضر نیز حاکم است. در طی این سال ها قوانین گوناگونی در کشور به تصویب رسیده است که بیشتر به مالکیت های صنعتی پرداخته اند اما قوانین متعددی در ارتباط با مالکیت های ادبی هنری نیز وجود دارد که تعدادی از آنها به زمان های بسیار دور متعلق می باشد؛ همچنین لایحه ای با عنوان «حمایت از مالکیت های فکری» توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است که در راستای حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، قدم مهمی برداشته که در جایگاه خود بسیار جامع و کارآمد می باشد، اما هنوز وضعیت آن نامشخص است و به سرانجام نرسیده است (نعمتی، ۱۳۹۶: صص ۱، ۲)؛ اما در خصوص قوانین و مقرراتی که به صورت تخصصی به مبارزه با سرقت علمی بپردازد می توان به آیین نامه ی انضباطی دانشجویان دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی مصوب ۱۳۶۴، قانون مقررات انتظامی اعضای هیات علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴ و درنهایت، قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه ی آثار علمی، مصوب ۱۳۹۶ و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۹۸ اشاره کرد.

پژوهش های ارائه شده بهره خواهند برد. به دفعات دیده شده است که در همایش و کنگره های داخلی، شخص در مقام ارائه و سخنرانی، مطالبی را بیان می دارد و به عنوان اثر پژوهشی ارائه می دهد و بعداً مشخص می شود که اثر علمی مذکور به شخص دیگری متعلق بوده است و یا در زمان های گذشته در کتاب معینی به چاپ رسیده بود (نعمتی، محمدی، حسینی مقدم، ۱۳۹۹: ۴). همچنین پدیده ی شایع دیگر در زمینه ی آثار علمی و پژوهشی، انتشار نسخه الکترونیکی کتاب یا دست نوشته بدون اجازه پدیدآورنده در فضای مجازی است که در سایت های گوناگون جهت فروش و عرضه قرار می گیرد که تمامی این موارد نقض حق مؤلف محسوب می گردد و شخص علاوه بر مسئولیت کیفری، در برابر خساراتی که به پدیدآورنده وارد آورده مسئول است و باید خسارات وارده را جبران نماید.<sup>۲</sup> در عین حال وفق قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه ی آثار علمی، تمام امتیازات و مدارج یا ارتقا، ترفیع و نیز مدارک تحصیلی حاصله از شخص متقلب برابر تبصره ۶ ماده واحده مذکور سلب و بی اثر می گردد. ولی می توان چنین اظهار داشت که شهروندان موظفند به حقوق سایر پدیدآورندگان، احترام گذاشته و در صورت استفاده و بهره گیری از آثار دیگران - چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم - ارجاعات مناسب و دقیقی را لحاظ کنند که این امر به وسیله ی تعلیم و آموزش های لازم به شهروندان و به خصوص پژوهشگران صورت می پذیرد.

در کشور ایران، یکی از عوامل بسیار اثرگذار در شکل گیری فرهنگ، عنصر اخلاق بوده است. اگرچه اخلاق به عنوان یک امر درونی، در ذات همه انسان ها نهادینه شده است که می تواند هم به صورت منفی و هم به صورت مثبت، خود را عرضه کند. آن چه که بیشتر مد نظر عموم قرار دارد، بعد مثبت اخلاق بوده که مشترک در ذات بشر است، از این رو، تمام جوامع سعی می کنند که به موازین

اخلاق حرفه ای شاخه ای از علم اخلاق می باشد و به عبارتی نوعی تعهد ضمنی است که شخص نسبت به انجام اصولی وظایف و مسئولیتی می نماید، که پذیرفته است (Kerlinger: ۱۳: ۱۹۸۶). به شکلی که با وجدان کاری شخص مذکور نیز سر و کار دارد. بنابراین داشتن علم و آگاهی در زمینه ی رعایت اخلاق حرفه ای در حوزه های پژوهشی از بروز اتفاقات ناشایست و تخلفات تبعی آن جلوگیری می نماید (آرین پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۵).

پرونده ای در این ارتباط وجود دارد که به موجب آن، آقای «Raji» - که آخرین سفیر کشور انگلیس در هنگام سلطنت شاه ایران بوده است - کتابی با عنوان «در خدمت تخت طاووس» را به قلم تحریر درآورد که به صورت سریالی در یکی از روزنامه های لندن چاپ می شد. آقای «خاکباز» مطالب کتاب مذکور را به فارسی ترجمه و سپس بدون مجوز پدیدآورنده در یکی از روزنامه های فارسی زبان ایالات متحده امریکا منتشر نمود، درنهایت، پدیدآورنده علیه مترجم به دلیل ترجمه و انتشار غیر قانونی اثر طرح دعوی نمود. دادگاه پس از بررسی دلایل و دفاعیات خوانده، دستور موقت و دستوری در ارتباط با تعیین میزان خسارت وارده صادر نمود (ویور، ۱۳۹۲: ۱۶۲).<sup>۱</sup>

در راستای تحقق این مهم، از پژوهشگران اعم از اساتید و دانشجویان و... انتظار می رود که به ذات برتری جویی و رقابت طلبی خود به شکل مثبتی پاسخ دهند و با رقبای علمی خود به شیوه ی شایسته و قانونی رقابت نمایند، تا به این شکل به مراتب و امتیازات علمی بالاتری دست یابند. پژوهش اصیل و معتبر زمانی به نتیجه می رسد که محقق شیوه ی پژوهش را به خوبی فرا گرفته و دانش کافی در زمینه ی علمی مورد بحث را داشته باشد و با قواعد کلی در این زمینه آشنا باشد. پژوهش های اصولی و صحیح باعث اعتماد آفرینی شده و در نهایت مخاطبان اعم از خوانندگان و شنوندگان با اطمینان خاطر بیشتری از

اداری کشور از رسیدگی امتناع نمود. رؤیت شده در پایگاه اینترنتی Dadrah.ir، در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۶.

<sup>1</sup> Radji V. khakbaz, 607 F.Supp. 1296 (U.s.: District Court, District of Columbia, 1985).

<sup>۲</sup> در پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۲۰۱۵ به جهت ترافیعی بودن امر (انتشار کتاب بدون اذن صاحب اثر) دادرس شعبه ۱ دیوان عدالت

مقدم و نعمتی، ۱۳۹۶: ۴۷۴). با توجه به توضیحات ارائه شده تأثیرات بالقوه ای که اخلاق بر فرهنگ رعایت حق مؤلف و همچنین به تصویب رسیدن مقررات آن داشته روشن می گردد و این مهم بر کسی پوشیده نیست.

## ۳،۲ بند دوم: بررسی رابطه ی بین سرقت علمی و فرهنگ در کشورهای عضو اتحادیه ی اروپا

در کشورهای غربی به خصوص کشورهای عضو اتحادیه اروپا، همگام با رشد فردگرایی در قرن هجدهم، موضوع تملک و تسری اش از شیء مادی به آثار فکری، ایده ها و نوآوری ها اهمیت و جایگاه فرهنگی به خصوصی پیدا کردند. چنان که در اوایل قرن بیستم، سازمان های تخصصی همانند انجمن روانشناسان امریکا<sup>۱</sup> سعی کردند به وسیله ی استاندارد سازی شیوه ی استناددهی در پژوهش های علمی، حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار را تضمین نمایند. این گونه حمایت های فرهنگی، تجاری و اخلاقی از آثار فکری باعث شد که در کشورهای غربی، ذهنیت فرهنگی مدرنی در ارتباط با موضوع سرقت علمی شکل گیرد. بعید به نظر نمی رسد که این ذهنیت برای شهروندان برخی از کشورهای شرقی و پژوهشگرانی که آثارشان را به زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم و بین المللی به قلم تحریر درمی آورند و همچنین دانشجویانی عجیب باشد که در راستای تحصیلات عالی به کشورهای غربی مهاجرت می کنند. در نتیجه، طبیعی خواهد بود اگر اساتید و مسئولان مربوط، تمام دانشجویان را به یک چشم نبینند و در فرض وقوع تخلف علمی توسط یک دانشجو، به مسائل فرهنگی کشور متبوع وی نیز دقت کنند. البته در حوزه ی سرقت علمی و حتی ادبی هنری، مسائل فرهنگی را باید در کنار عواملی همچون فشار حاکم بر شخص جهت انتشار آثار و کمبود وقت جهت به ثمر رساندن یک اثر در نظر داشت (Hatch: ۲۰۱۶: ۲۶۴).

اخلاقی پایبند باشند. چنانچه اگر یک شخص اخلاق های منفی را از خودش بروز دهد، علاوه بر اینکه وجدان خود را آزاده می سازد، از دید عموم به عنوان یک فرد نه چندان محترم، شناخته می شود. قسمت اعظمی از دامنه ی اصول اخلاقی در میان جوامع مختلف، مشترک است، اما به جهت تفاوت های فرهنگی، دینی، مذهبی و آداب و رسوم در هر کشوری، تفاوت هایی در مبانی اخلاقی آنها مشاهده می شود. اخلاق یکی از عوامل مهم در فرهنگ می باشد و به خاطر گرایش فراوانی که ذات انسان به فضیلت های اخلاقی مثبت و مطلوب دارد، پس ضرورت دارد که فرهنگ کشور نیز با اخلاق حسنه همخوانی داشته باشد تا در نظر مردم قبیح شمرده نشود. این امر در خصوص قوانینی که وضع شده است، نیز مشهود می باشد. در قانون اساسی کشور، موارد بسیاری را می توان یافت که به صورت مستقیم و غیر مستقیم به موازین اخلاقی اشاره شده است که از جمله آن می توان به اصول ۱۰ و ۴۰ قانون مذکور اشاره کرد. به تبع همین امر، قوانینی که وضع می شوند به جهت اینکه باید با قانون اساسی مطابقت داشته باشند، اصول اخلاقی را با خود به همراه دارند، به عبارت دیگر، حامل یک پیام اخلاقی می باشند و در قوانین ما جریان دارند. اخلاق با تأکیدی که در جهت احترام به اشخاص و اموالشان دارد، هر گونه تجاوز و سوء استفاده از اموال و دارایی های مردم را ناپسند می شمارد و از خود می راند. امروزه به جهت نقض هایی که در آثار فکری، صورت می گیرد؛ قواعد کپی راییت به عنوان یک اصل اخلاقی، اهمیت فراوانی پیدا کرده است. با این توصیف که هیچ کسی نباید اثر منتسب به دیگری را بدون اجازه ی صاحب آن و یا بدون درج نام وی، منتشر کند و یا در آثار خود مورد استفاده قرار دهد. امروزه به دلیل گسترش فضای مجازی و شبکه های اینترنتی، حقوق نویسندگان و صاحبان آثار فکری به راحتی در معرض نقض قرار می گیرد و اصول اخلاقی در این زمینه زیر پا گذاشته می شود که قواعد کپی راییت، با این امر قبیح مقابله می کند (حسینی

<sup>1</sup> American Psychological Association.

استفاده می نمودند. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که عدم مدیریت صحیح زمان از دست رفته، انگیزه ی اصلی سرقت علمی در جوامع غربی می باشد.

به نظر می آید که پس از قرن هجدهم، پدیده ی سرقت علمی وارد جریان دیگری شده است؛ به گونه ای که پیش از آن، به جهت متفاوت بودن روند آموزش، برخی اوقات تقلید نمودن نوعی فضیلت به حساب می آمد. برای مثال، همان طور که امروزه کودکان یاد می گیرند که حروف و کلمات را به خاطر بسپارند، ترتیب حروف را نیز به خاطر می سپارند و در ادامه ی این فرآیند، حتی جملات را فرا گرفته و به خاطر می سپارند.

کتاب های درسی در زمان های گذشته به خصوص در قرون وسطی حاوی فرمول ها و مسائل پیچیده ای بوده اند. حتی ارسطو، ویرجیل، شکسپیر و ... نیز بخش هایی از آثار اساتید خود را برداشت کرده بودند؛ طبق قواعد امروزی، آنها را نیز باید سارق علمی بدانیم، در صورتی که این طور نیست. آنها به جهت فرهنگ و آداب و رسوم آن زمان و همچنین به خاطر احترام به اساتید خود دست به چنین عملی می زدند.

در قرن هجدهم، دو تحول عظیم رخ داد، نویسندگی و خلاقیت بیشتر به سمت و سوی فردی و مستقلی تمایل یافت و از سوی دیگر، قوانین گوناگونی در راستای محافظت از منافع اقتصادی ناشران، فروشندگان کتاب و نویسندگان وضع شد (Green, 2002, 176). اگرچه در حاضر نیز برخی فیلسوفان و منتقدان اجتماعی بر این ادعا هستند که ادعای مالکیت فکری، غیر ممکن است، چون تمام امور، مبتنی بر عقاید و تلاش سایر افراد می باشد، همچنین نوع جدیدی از سبک نگارش در حال ظهور است که تا حد گسترده ای مشابه به رویکر عبارت سازی کلاسیک می باشد، به این توضیح که جوانان با جمع آوری قسمت های برجسته و کلیدی منابع مختلف، وبلاگ ها و پست های خود را ایجاد می کنند که اصطلاحاً «تکه نویسی» نامیده می شود و شباهت فراوانی به «شیءیابی» در دنیای هنر دارد (Hunt, 2005, 265). برخی بر این

در خصوص اصطلاح سرقت علمی، نخستین سؤالی که به ذهن هر انسانی خطور می نماید، این است که آیا سرقت علمی همان سرقتی است که ما در ذهن داریم یا به عبارت دیگر، همان عمل تجاوز گونه ای می باشد که به مستغلات، دارایی و حریم اشخاص صورت می گیرد؟ مسلم است که نه؛ سرقت علمی در واقعیت امر، بیشتر نوعی نقض هنجار اجتماعی به حساب می آید (Green, 2002, 181). هیات های علمی نیز به موجب جامعه پذیری به یک درک واضح و کلی از آنچه که به مرور زمان آموخته اند، تکیه می نمایند، درکی که ترسیم آن دشوار می باشد. اما واقعیت این است که سرقت علمی کاملاً عملی واضح می باشد، همانند مقاله ای که از یک منبع اینترنتی خریداری می گردد یا تحت برداشت مستقیم و یا غیرمستقیم قرار می گیرد.

از یک طرف، بسیاری از دانشجویان در میان انبوهی از قوانین سختگیرانه سردرگم می باشند، از طرفی دیگر، علیرغم جامع تر شدن قوانین، شفافیت آن تغییر چندانی پیدا نمی کند. برای مثال، کتاب راهنمایی را تصور کنید که به دانشجو بیاموزد چنانچه بیشتر از ۵ کلمه از یک منبع استفاده نماید و هیچ ارجاعی نیز ندهد، مرتکب سرقت علمی می شود؛ از این رو، کمبود و فقدان چنین منابعی، خود باعث افزایش این معضل می گردد.

برخی از نویسندگان بر این عقیده اند که بیشتر از دانشجویان بومی، ممکن است دانشجویان بین المللی به جهت عدم آشنایی با فرهنگ کشوری که در آن تحصیل می نمایند، مرتکب سرقت علمی گردند (Bamford and Sergiou, 2005: 18)؛ برخی دیگر نیز بر این عقیده می باشند که وضعیتی که دانشجویان بین المللی در آن قرار دارند، یکی از عوامل خطر ساز در خصوص سرقت علمی می باشد (Gallant et al, 2015: 220; Aslam Nazir, 2010: 655). بررسی سالانه حکایت از آن دارد که میزان سرقت علمی مابین سال های ۱۹۹۹ - ۲۰۰۵ از ۱۳ درصد الی ۴۱ درصد افزایش یافته است؛ با وجود اینکه اساتید از نرم افزارهای مشابهت یابی و تطبیق متن



با این توصیف، موضوعی که اکثر نویسندگان بر آن اتفاق نظر دارند، اثرگذاری تفاوت های اخلاقی و فرهنگی بر میزان سرقت علمی می باشد. برای مثال، در کشور ویتنام سرقت علمی یک امر غیر اخلاقی و ضد فرهنگی تلقی می شود و دانشجویانی که مرتکب چنین امری می شوند؛ مکلفند که صد بار بنویسند: «من هرگز ایده ها و نوشته های دیگران را دوباره نخواهم دزدید» (Ha, l, p, (۱۴۲: ۲۰۰۷. در پژوهشی آمده است ۱۰۰ درصد دانشجویان آسیایی بر این عقیده می باشند که صرف کپی کردن چند جمله برای سخنرانی و یا ارائه، فقط یک تقلب بی اهمیت است و هیچ مشکلی ایجاد نمی کند؛ این موضوع در حالی می باشد که فقط ۶۳ درصد دانشجویان اروپایی چنین عقیده ای داشتند، همچنین بسیاری از دانشجویان برای دوستان خود ارزش بیشتری قائل می شوند تا پیروی از قواعد کپی رایت (Carrol, ۲۰۰۷, ۲۹). بررسی ها حکایت از آن دارد که دانشجویان در کشورهایی (برای مثال کشور لبنان) که فرهنگ های جمع گرایانه حاکم است، ۵ برابر بیشتر از دانشجویان در کشورهایی که فرهنگ فرد گرایی حاکم است، برای پذیرش در آزمون های فراگیر تن به تقلب می دهند (Gallant, ۲۰۱۵: ۲۲۰). صرف نظر از درستی یا نادرستی آمار مندرج در منبع مذکور، این واقعیت انکار ناپذیر است بسیاری از اشخاصی که به سرقت علمی مبادرت می ورزند، آن را در حد یک بهره برداری ساده و بدون سوء نیت از دستاورد دیگران تلقی می نمایند که قصد اضرار به صاحب اثر را نداشته اند و صرفاً به منظور استفاده شخصی و رفع مشکلات پیش رو، دست به چنین اقدامی زده اند و از حیث اجتماعی چندان عمل زشت و ناهنجاری را مرتکب نشده اند. این اندیشه، ضد اخلاق و کاملاً خطرناک بوده که بر پیکره ی علمی جامعه اثر منفی وارد می سازد؛ چرا که دیگر هیچ اندیشه نوینی، ایجاد و به جامعه عرضه نخواهد شد.

عقیده می باشند که مشکل فرهنگی این است که دانشجویان با واژه ی سرقت علمی آشنایی ندارند و نمی دانند مفهوم صحیح آن چیست، هم چنان که بسیاری از دانشجویان بر این عقیده اند که برداشت از آثار دیگر نویسندگان، صرفاً یک اثر را گردآوری کرده اند و این عمل سرقت نیست. آنها بر این عقیده اند که جمع آوری و کنارهم قراردادن مطالب در کنار هم سرقت علمی نیست، بلکه یک نوع گردآوری پژوهشی است (Bamford and Sergiou, ۲۰۰۵: ۲۰). چرا که سرقت یا نقض حقوق را صرفاً معطوف به حقوق عینی یا اموال مادی می دانند و برای چنین اموالی حق مالکیت تصور می نمایند. در حالی که حقوق اعم از مادی و معنوی بوده و شامل آفرینش فکری اعم دستاوردهای علمی، ادبی، هنری، فرهنگی، صنعتی از قبل حق اختراع شعر و سرود و در قالب کتب و مقالات و... خواهد بود و نقض هر یک از این حقوق هیچ تفاوتی با حقوق مالکانه ای که موضوع آن یک عین مادی است ندارد.

عامل دیگری که در خصوص سرقت علمی اثرگذاری دارد و در فرهنگ برخی جوامع به یک موضوع عادی تبدیل شده است، فشار محیطی و اجتماعی شدیدی است که بر دانشجویان و بعضاً اساتید بار است؛ به عبارت دیگر، اجتماع از یک دانشجو انتظار موفقیت علمی گسترده و دسترسی به مدارج بالایی را دارد و محتمل است که برخی دانشجویان توانایی و استعداد لازم را جهت تحقق این مهم نداشته باشند و به خاطر این فشارها دست به سرقت علمی بزنند (Bista, ۲۰۱۱, ۱۶۲). خانواده، بستگان و آشنایان از جمله گروه هایی هستند که انتظار فراوانی در خصوص موفقیت علمی دانشجویان خود دارند و شاید چنین انتظاری به جهت فداکاری هایی که آنها برای دانشجوی خود انجام داده اند، چندان قابل ایراد نباشد. از طرفی نیز، ممکن است دانشجو به جهت انزوا و یا کمبود وقت و همچنین نداشتن راهنمای مناسب، به تقلب و سرقت علمی متوسل گردد تا به هدف موقت خود دست یابد. (Gallant et al, ۲۰۱۵: ۲۲۰).

## ۴ گفتار سوم: بررسی حقوق شخص مؤلف در قوانین موضوعه کشور ایران و کشورهای عضو اتحادیه ی اروپا

پس از آنکه در گفتارهای گذشته به روابط میان فرهنگ جوامع و تحقق سرقت علمی در کشور ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا پرداخته شد، در گفتار حاضر، به حقوقی که مقنن در راستای حمایت از نویسندگان و پدیدآورندگان و همچنین فرهنگ سازی رعایت حق مؤلف در نظر گرفته است، پرداخته خواهد شد. حق مؤلف، دارای ابعاد مختلفی می باشد که بعد اول آن، مادی و بعد دیگر آن، معنوی می باشد که در ذیل به طور جداگانه در ارتباط با این موارد بحث خواهد شد.

### ۴٫۱ بند نخست: بررسی حقوق شخص مؤلف در قوانین موضوعه کشور ایران

#### ۴٫۱٫۱ الف: جنبه ی مادی

شخص پدیدآورنده، به دلیل سلطه و مالکیتی که بر اموال خود دارد، می تواند از تمام امتیازات قانونی جهت بهره برداری از اثرش، جهت امرار معاش و مایحتاج استفاده کند. مالکیت به مفهوم کلی و عام، حقی است دائمی، که به موجب آن شخص می تواند در حدود قوانین، تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند (کاتوزیانف، ۱۳۷۴: ۱۰۹). اما به جهت تفاوت ذاتی که میان اموال فکری و اموال مادی وجود دارد، حقوق متفاوتی نیز توسط مقنن برای مالکان اموال مذکور در نظر گرفته شده است. در نظام حقوقی ایران، حقوق مادی<sup>۱</sup> پدیدآورنده، شامل حق نشر و تکثیر، نسخه برداری و تکثیر بدون قصد انتفاع، حق ترجمه، حق اقتباس و تخریب، حق عرضه و اجرا، حق استفاده از پاداش و جایزه می باشد که حق انحصاری پدیدآورنده می باشند (صفایی، ۱۳۹۱: ۲۶۱-۲۵۸)؛ یعنی هیچ شخصی نمی تواند بدون رضایت قبلی

مالک از این حقوق بهره برداری نماید. در دکتترین حقوقی این امر مورد پذیرش قرار گرفته است که پدیدآورنده، مالک اثر فکری خود می باشد و به عبارتی بر پدیده فکری اش، حقوق مالکانه خواهد داشت (ویور، ۱۳۹۲: ۱۵۵). از این رو، حمایت قانون از حقوق مادی پدیدآورنده، منوط به این است که اثر برای اولین بار در ایران چاپ، پخش، نشر یا اجرا شده باشد (حبیب، ۱۳۹۳: ۳۳۶). در همین رابطه، ماده ۲۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان بیان می دارد: «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلا در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نشده باشد.»

در ذیل به بیان ویژگی های حقوق مادی پدیدآورندگان آثار فکری پرداخته می شود:

#### ۱- قابل نقل و انتقال بودن

آثار فکری، همانند سایر اموال، دارای ارزش مالی هستند و می توانند مورد داد و ستد واقع شوند تا افراد گوناگون آثار مورد نظرشان را تهیه کرده و از آن بهره مند گردند. ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و همچنین ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب، ماده ۵ قانون ثبت اختراعات، ماده ۵۷۹ قانون تجارت نیز به قابل نقل و انتقال بودن این آثار اشاره شده است. پدیدآورنده طبق ماده ۵ قانون مذکور، از این اختیار برخوردار است که تمام و یا قسمتی از حقوق مادی خود را انتقال دهد. آثار فکری، همانطور که معمول است، تحت قراردادهای گوناگونی به دیگران واگذار می شوند؛ این آثار از طریق اجاره، بیع، وصیت و یا در قالب قرارداد های از پیش تهیه شده، قابل واگذاری به دیگران خواهد بود. واگذاری اثر به دیگری، تابع قرارداد مابین طرفین خواهد بود و طبق اصل آزادی قراردادها، تا جایی که به نظم عمومی و اخلاق حسنه آسیبی وارد نشود، طرفین در تهیه

<sup>2</sup> David, Vaver.

<sup>1</sup> Exploitation

مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مورد اصلاح قرار گرفت و مدت حمایت از سی سال به پنجاه سال تغییر پیدا کرد.

### ۴٫۱٫۲ ب: جنبه ی معنوی

برخی از نویسندگان در تعریف حق معنوی چنین بیان داشته اند: «حقیقت مبین شخصیت خالق اثر است. یعنی تمام افکار، سلیق، استعداد ها و گرایش های فکری و ذهنی پدیدآورنده در اثر وی متجلی می شود.» (ایزدی فرد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۴). برخی دیگر نیز چنین بیان داشته اند که حق معنوی حقی ویژه و قدرتمند است که به صاحب آن اجازه می دهد حتی پس از انتقال اثر، بتواند آنچه را که با اثر او انجام می پذیرد را تحت کنترل خویش داشته باشد (Adler: ۲۰۰۹: ۲۶۴). جنبه ی معنوی حق مالکیت فکری به جهت غیر قابل تفکیک بودن آن از شخصیت صاحب اثر، ویژگی های کاملاً متفاوتی را نسبت به جنبه ی مادی حق مالکیت فکری دارد و حتی پس از انتقال حقوق مادی اثر، برای مؤلف حفظ خواهد شد. در حقوق ایران، حقوق معنوی شخص پدیدآورنده اثر، در ماده ۳ و ۴ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مورد شناسایی قرار گرفته است که عبارتند از: حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده و حق حرمت اثر. در ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن نیز حق معنوی پدیدآورنده مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در موافقت نامه تریپس<sup>۱</sup> که منحصر به جنبه ی تجاری و اقتصادی مالکیت فکری است، کشورهای عضو را مکلف به حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان کرده است (صفایی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۴). حق معنوی شخص پدیدآورنده، با توجه به ماده ۴ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، غیر قابل انتقال به غیر است. همچنین بر اساس ماده ۱۳ لایحه جامع حمایت از مالکیت فکری، هیچ یک از حقوق معنوی پدیدآورنده، در دوران زندگی اش قابل نقل و انتقال نیست. برخی از حقوق دانان، حق معنوی شخص پدیدآورنده را از آن حیث که وابسته به شخصیت صاحب اثر است، غیر قابل انتقال می دانند (صفایی و دیگران،

ی مفاد و تنظیم شرایط قراردادشان، صاحب اختیار و آزاد می باشند (اصغری آقمشهدی، ۱۳۹۱: ۸۷؛ امامی: ۱۳۹۳: ۱۹۷؛ صفایی، ۱۳۹۱: ۲۶۱).

### ۲- محدودیت زمانی و مکانی حمایت قانون

محدودیت زمانی، به مدت زمانی اشاره دارد که حقوق مادی اثر در اختیار پدیدآورنده قرار دارد هرچند که ممکن است توسط پدیدآورنده به اشخاص دیگری و یا در صورت فوت او به وراثت و بازماندگان او منتقل شده باشد. در این مدت، هرگونه نقض یا تعرضی توسط اشخاص ثالث به اثر وارد گردد، مالک اثر حق پیگیری در مراجع قضایی را خواهد داشت و می تواند خواستار جبران خسارت مادی و معنوی وارد شده به اثرش باشد. پس از اتمام مهلت این محدودیت زمانی، اثر از حالت مالکیت خصوصی خارج می شود و عموم مردم می توانند از این اثر استفاده کنند و به مجوز خاصی احتیاج نمی باشد (میرحسینی، ۱۳۹۴: ص ۲۶۲، ۲۶۳). بر اساس ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان، هنرمندان و مصنفان، «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده، سی سال است و اگر وراثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر، قرار خواهد گرفت.» همچنین ممکن است یک اثر توسط چند نفر به صورت مشترک، پدید آید که مدت حمایت قانون از آثار مشترک طبق تبصره ماده ۱۲ قانون مذکور، سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود. همچنین ممکن است اثری به پیشنهاد و یا درخواست یک سازمان، تولید شود که طبق ماده ۱۳ قانون مذکور حقوق مادی این اثر تا سی سال از تاریخ پدید آمدن، متعلق به سفارش دهنده است مگر آن که برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد. در سال ۱۳۸۹ ماده ۱۲ قانون حمایت از

<sup>1</sup> TRIPS Agreement.

به دلیل وابستگی و تعلقی که به پدیدآورنده اثر دارد، اختیاراتی را در این زمینه به وی اعطا می نماید که اختیارات مذکور به شرح ذیل است:

#### ۱- حق تصمیم گیری در ارتباط با انتشار اولیه اثر

پدیدآورنده اثر، تنها کسی است که می تواند در رابطه با منتشر شدن یا نشدن اثر تصمیم گیری نماید و هیچ شخصی نمی تواند مانع انتشار و یا عدم انتشار آثار پدیدآورنده شود (صفایی، ۱۳۹۱: ۲۶۵). لازم به ذکر است که در هر کشوری انتشار آثار (افشاء اثر) با محدودیت هایی مواجه است که از جمله این محدودیت ها نظم عمومی، مقررات آمره و اخلاق حسنه می باشد.

#### ۲- حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده

نام و عنوان پدیدآورنده وابسته به شخصیت اوست و طبیعی است هر جا که اثر شخص منتشر می شود باید نام و عنوان وی درج گردد که حسب مورد ممکن است نام واقعی یا نام مستعار باشد (صفایی، ۱۳۹۱: ۲۶۵). ممکن است پدیدآورنده، اثرش را بی نام منتشر نماید، از این رو عدم درج نام پدیدآورنده روی اثر، به معنای اعراض نیست. ممکن است شخص دلایل گوناگونی جهت این عمل داشته باشد و عدم درج نام وی نمی تواند به مفهوم خروج اثر از مالکیت وی باشد. بلکه باید قصد و نیت پدیدآورنده به اثبات برسد (صاحب، ۱۳۹۴: ۴۵). با این توصیف حتی در صورتی که پدیدآورنده اثرش را بی نام منتشر کند، حق قانونی اش به قوت خود باقی است. برخی حقوقدانان از این حق به «حق حرمت نام» یا «حق ولایت بر اثر» یاد می کنند (آیتی، ۱۳۷۵: ۱۳۸). این حق مورد قبول حقوقدانان اسلامی و غیر اسلامی قرار گرفته است و نقض آن از دیرباز در جوامع گوناگون رواج داشته که تحت عنوان «سرقت ادبی» مورد مذمت قرار می گرفت و در حال

۱۳۹۶: ۴۵). حق معنوی شخص پدیدآورنده به مکان و زمان خاص نیز خلاصه نمی شود؛ یعنی برای صاحب اثر، هیچ محدوده خاصی وجود ندارد. حق معنوی، به صورت همیشگی و دائمی در اختیار پدیدآورنده اثر خواهد بود و تا زمانی که شخص زنده باشد می تواند از این حق بهره مند شود؛ به عبارت دیگر، گذر زمان و حتی فوت شخص پدیدآورنده، نمی تواند هیچ گونه خللی به حق معنوی صاحب اثر وارد نماید (امامی، ۱۳۹۳: ۲۴۰) و وراثت همیشه چنین حقی را خواهند داشت که از اثر مذکور حمایت نمایند. به عبارت دیگر، حق معنوی صاحب اثر به کشور و یا مکان خاصی محدود نمی شود، بلکه در تمام جهان، دارای اعتبار و ارزش است. بنابراین شخص پدیدآورنده اثر، هر جایی که از این جهان سکونت داشته باشد، حق معنوی اش به قوت خود باقی است و شخص می تواند از حقوق قانونی اش بهره مند گردد. شخص پدیدآورنده اثر فکری، نمی تواند حق معنوی اثرش را از خود سلب کند چون این حق از جمله حقوق شخصی می باشد و به همین جهت قابلیت اسقاط ندارد. البته شخص پدیدآورنده می تواند ذکر نام خود در آثارش خودداری کند، همچنین می تواند اسم مستعاری را جهت درج در آثارش انتخاب کند و در نهایت از نام مستعار جهت معرفی خود، استفاده کند (اصغری آقمشهدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰؛ میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲۶۰). به نقل از برخی نویسندگان، از دید فقهای معاصر، انتقال اختیاری حق معنوی حاکم بر اثر (حق مؤلف) باعث ترویج بی اخلاقی و دروغ در جامعه می گردد و در نهایت چنین قراردادی را باطل و غیر صحیح می دانند (صفایی، ۱۳۹۶: ۴۱؛ آیت الله سیستانی، استفتای شماره ۲۷۸۵۲۸-۱۳۳۶/۳/۳) که این مهم به صورت ضمنی در «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه ی آثار علمی» مصوب سال ۱۳۹۶ مورد شناسایی قرار گرفته است.<sup>۱</sup> حق معنوی

به قصد انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل - با هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود، جرم بوده و مرتکب یا مرتکبان علاوه بر واریز وجوه دریافتی به خزانه دولت مشمول مجازات به شرح ...»

۱ ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه ی آثار علمی چنین مقرر داشته است: «تهیه، عرضه و یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار کتاب و یا ضبط شده پژوهشی - علمی و یا هنری اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی

منابع از جمله پایگاه ویکی‌پدیا، تعداد ۱۶۵ کشور درج شده اند. در بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون برن چنین مقرر شده است: «مفهوم آثار نوشتاری و هنری شامل تمام تولیدات در زمینه های نوشتاری و ادبی، علمی و هنری می گردد، صرف نظر از شکل یا شیوه عرضه آن، مانند کتاب‌ها، جزوه ها و بقیه گونه های نوشتاری، سخنرانی‌ها، خطابه ها، موعظه ها و هرگونه اثر مشابه آنها، آثار موسیقایی نمایشی، آثار طراحی و تنظیم رقص، نمایش های سرگرم کننده و مسکوت، موسیقی های تصنیفی باکلام یا بدون کلام، آثار سینمایی ای که حاوی بیان مفاهیم با ابزارهای سینمایی باشند، آثار نقاشی، طراحی، معماری، مجسمه سازی، حکاکی و لیتوگرافی، آثار عکاسی ای که حاوی بیان مفاهیم با ابزارهای عکاسی باشند، آثار هنرهای کاربردی، آثار تصویرگری، نقشه های جغرافیایی، نقشه ها، آثار طراحی و آثار سه بعدی در زمینه های جغرافی، توپوگرافی، معماری و علم.» کنوانسیون برن اعضاء را مکلف به اتخاذ تدابیری در زمینه اقدامات موقتی و خصوصاً اخطار در پرونده های فوری و اضطراری نموده است تا مدارک و ادله اشخاص ذینفع، به درستی حفظ گردد و در نهایت قوانین دولت های عضو کنوانسیون از این منظر بهبود پیدا کند؛ اگرچه اکثر نظام های حقوقی بدون وجود هیچ گونه قانون خاص، با این الزامات مطابقت دارند (۳۹۶: ۲۰۱۲: Wipo).

### ۴,۲,۱ الف: حقوق مادی

در کنوانسیون بین المللی برن، تعدادی حق انحصاری برای مؤلف در نظر گرفته شده که در مواد ۸، ۹، ۱۱ الی ۱۴ کنوانسیون مذکور به آن پرداخته شده است که عبارتند از: حق ترجمه، تکثیر، اقتباس، اجرا و عرضه آثار و ... . حقوق مذکور انحصاراً در اختیار مؤلف اثر قرار دارد، لذا هرگونه تعدی و تجاوز به این حقوق، موجب مسئولیت فاعل عمل زیانبار خواهد بود و زیان دیده باید تلاش کند تا برداشت جوهره اثر خود توسط ناقض را به اثبات برساند (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۳). با توجه به توضیحات ارائه شده، چنانچه یکی از حقوق مندرج در کنوانسیون برن که برای شخص مؤلف در نظر گرفته شده است، نقض گردد؛ شخص ناقض - بر

حاضر نیز کسب درآمد و بهره برداری مادی و معنوی از این راه را نامشروع می دانند (صفایی، ۱۳۹۶: ۳۵).

### ۳- حق حرمت اثر

حق حرمت اثر یعنی حق اعتراض به هر تحریف، تغییر در معنا، حذف بعضی از قسمت ها و یا هر عمل توهین آمیز نسبت به اثر که با شهرت و اعتبار مؤلف منافات داشته باشد (میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲۶۰). به جهت تعلقی که اثر فکری به خالق و پدیدآورنده اش دارد، لازم است توسط دیگران مورد احترام قرار گیرد و هیچ گاه بدون اجازه ی قبلی پدیدآورنده اش مورد تحریف و یا تغییر قرار نگیرد. ماده ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در ارتباط با حق حرمت اثر چنین بیان شده است: «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.» ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن، شرطی را در ارتباط با حق حرمت اثر ذکر نموده است، بدین شرح که خواهان پس از کسب اطلاع از تغییرات صورت گرفته توسط دیگری، باید اثبات نماید که به آبرو یا شهرت وی خسارت وارد شده است (ویور، ۱۳۹۲: ۱۴۱). با تکیه بر این حق باید چنین بیان داشت که حتی اگر اثری حاوی نکات غیراخلاقی و ناپسند باشد، نباید قسمت مذکور را بدون اذن وی سانسور و یا حذف نمود، امر مذکور بر خلاف حق تمامیت یا حرمت اثر پدیدآورنده است.

### ۴,۲ بند دوم: بررسی حقوق شخص مؤلف در قوانین کشورهای عضو اتحادیه ی اروپا

کشورهای عضو اتحادیه ی اروپا به جهت الحاق به کنوانسیون برن از قواعد و مقررات آن پیروی می نمایند. کنوانسیون برن که با اهدافی همچون تشویق متفکران و اندیشمندان و گسترش توان علمی، اقتصادی و اجتماعی و رشد فرهنگی و اخلاقی در سایه حمایت از مالکیت فکری، در سال ۱۸۸۶ متولد شده است و تا به حال ۱۲۷ کشور نیز به آن ملحق شده اند (امامی، ۱۳۹۳: ۷۲) البته در برخی

اصالت برخوردار باشند و همچنین قصد تخریب مؤلف و خود اثر اولیه را نداشته باشد، شامل نقض قرار نمی‌گیرد (شاگری، ۱۳۹۵: صص ۷۰، ۸۴). در پرونده ای، خواهان که مؤلف کتابی است علیه شخص ناشر به جهت انتشار بدون مجوز خلاصه رمان معروف اش در یک کتاب ادبی طرح دعوی نمود. عملیات خلاصه نویسی این کتاب به صورت نادرستی انجام شده بود و موضوعات فرعی داستان حذف و به عبارتی کلیت داستان تغییر پیدا کرده بود. شخص مؤلف علاوه بر صدور دستور موقت مبنی بر جمع آوری نسخه خلاصه شده و جبران خسارت مادی، خواستار جبران خسارت معنوی نیز شده بود. اما دادگاه در مقام صدور رأی او را به جهت اینکه پس از انتشار اثرش به صورت خلاصه شده، مورد تمسخر و بی احترامی قرار نگرفت، مستحق خسارت معنوی ندانست و صرفاً به صدور دستور موقت و پرداخت خسارت مادی کفایت نمود (ویبور، ۱۳۹۲: ۱۴۲). در نتیجه، برخلاف قوانین موضوعه کشور ایران که صرف تغییر و تحریف اثر اولیه را موجب مسئولیت شخص ناقض دانسته است، در کنوانسیون برن، صرف تغییر و تحریف موجب مسئولیت شخص ناقض نخواهد بود، بلکه ورود آسیب به حیثیت و شهرت مؤلف را شرط تحقق مسئولیت ناشی از نقض بعد معنوی حق مؤلف دانسته است.

در کنوانسیون برن، در خصوص حمایت از آثار علمی ای که برای نخستین بار در قالب یک سخنرانی اراده می‌گردند، به طور مستقیم به مصادیقی همچون سخنرانی ها، خطابه ها، موعظه ها اشاره شده است و از این رو، چنین آثاری (آثار شفاهی) مورد حمایت قرار گرفته اند. همچنین به موجب بند ۱ ماده ۲ مکرر کنوانسیون نیز به کشورهای عضو اتحادیه چنین اختیاری داده شده است که سخنرانی های سیاسی و سخنرانی هایی که در روند رسیدگی های قضایی ارائه می‌گردد را از شمول حمایت خود خارج سازند. علیرغم تأکید بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون مذکور بر تشریفات نبودن حمایت از آثار ادبی و هنری، اغلب کشورهای کامن لاء، ثبت اثر را جهت بهره مندی از

فرض اثبات - ملزم به جبران خسارت وارده خواهد بود. در همین راستا، لازم است تمامی آثار مشابه غیر اصیل، توقیف و جمع آوری گردد تا نهایتاً نسبت به کالای اصیل، اعاده ارزش صورت گیرد. به عبارت دیگر، صرف وجود کالاهای مشابه، باعث ورود ضرر و زیان به مؤلف و اثری که آفریده است، می‌گردد؛ به همین جهت انهدام موارد مشابه از استمرار ضرر جلوگیری نموده و ارزش واقعی کالای اصیل مسترد می‌گردد.

کنوانسیون برن در بند ۲ ماده ۵ در باب حقوق تضمین شده، یکی از موارد اصولی و مهم حمایت از حقوق پدیدآورندگان را تعیین خسارت جهت نقض حقوق آنها می‌داند و تشخیص زمان استفاده از حق مذکور را به عهده قوانین داخلی کشورهای عضو می‌گذارد (شیخی، ۱۳۸۴: ۱۹۰). کنوانسیون مذکور شامل مقررات خاصی در زمینه اجرای حقوق است؛ به موجب بند ۱ ماده ۱۶، نسخه های تقلبی در کشورهای عضو اتحادیه برن که اثر اصلی در آنها مشمول حمایت قانونی باشد، قابل توقیف بوده و همچنین در بند ۲ ماده ۱۶، نسخه های تقلبی وارداتی از کشوری که در آن اثر اصلی مشمول حمایت نیست یا مدت حمایت آن به اتمام رسیده، قابل توقیف خواهد بود. همچنین، به موجب بند ۳ ماده ۱۳، واردات و ضبط های صورت گرفته از آثار صوتی، بدون اجازه طرف های ذی نفع در کشوری دیگر که در آن مجاز نیست، قابل توقیف می باشد (Wipo: ۲۰۱۲: ۱۶۹).

### ۴،۲،۲ ب: حقوق معنوی

در ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن، حقوق معنوی مؤلف مورد پیش بینی قرار گرفته است که به موجب آن مؤلف حق دارد مدعی تألیف اثری باشد که خلق نموده است و نسبت به هرگونه تغییر شکل، تحریف یا سایر اصلاحات و اعمال زیان آور مرتبط با اثر که برای آبرو یا شهرت وی مضر باشد، اعتراض نماید. در ماده مذکور، قیدی با عنوان عدم لطمه به حیثیت درج شده است و بدیهی است که صرف تغییر، به لطمه منجر نمی‌گردد. برای مثال، آثار طنز گونه ای همانند کاریکاتور که دارای هویت مستقل بوده و از حداقل

توجه به هدف مورد نظر قابل توجیه باشد. همچنین نقل قول از مقالات روزنامه ها و نشریات ادواری مجاز است که به شکل بررسی های مطبوعاتی هستند.

۲. تعیین استفاده مجاز آموزشی تکثیر، پخش رادیویی، ضبط صوتی یا تصویری از آثار ادبی یا هنری در اختیار قانونگذاری های کشورهای عضو اتحادیه و توافق های خاص موجود بین آنها با توافق هایی می باشد که در آینده منعقد می کنند، به شرط اینکه چنین استفاده ای معقول بوده و با توجه به هدف قابل توجیه باشد.

۳. نقل قول ها و استفاده های مذکور در بند پیشین باید با ذکر منبع و ذکر نام پدیدآورنده باشد، در صورتی که در منبع آمده باشد.

- **در ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون مذکور مقرر شده است:**

۱. قانونگذاری های کشورهای عضو مختارند تکثیر مقالات راجع به مسائل روز اقتصادی، سیاسی یا مذهبی را که در روزنامه ها یا مجلات دوره ای منتشر شده اند یا آثار پخش شده رادیویی مشابه را توسط وسایل ارتباط جمعی یا پخش رادیویی یا پخش با وسایل ارتباطی باسیم، در مواردی که صراحتاً منع نشده است، تجویز کنند. با وجود این، همواره منبع باید به روشنی قید شود؛ ضمانت اجرای این تعهد توسط قانون کشور محل تقاضای حمایت تعیین می شود.

۲. در اختیار قانونگذاری کشورهای عضو است شرایطی را وضع کنند که مطابق آن به مناسبت گزارش وقایع جاری، آثار ادبی یا هنری که در جریان رویداد دیده یا شنیده شده اند، با عکس یا فیلم یا با پخش رادیویی یا پخش با وسایل باسیم در حدی تکثیر شوند که هدف اطلاع رسانی آن را توجیه کند، و در دسترس عموم قرار گیرند.

حقوق مؤلف ضروری دانسته اند و با استناد به بند ۲ ماده ۲ این حق را برای خود محفوظ دانسته اند که تمام یا برخی از آثار ادبی و هنری ای که ثبت نشده اند را از شمول حمایت قانون خارج نمایند. در کشورهایی که چنین وضعیتی دارند، مباحثی که در یک خطبه یا کنفرانس و مجلس ارائه می گردند، تحت حمایت قرار نخواهند گرفت، چون حمایت از آنها مشروط به ثبت شده است. به هر روی این گونه نیست که هرگز اثر شفاهی در قالب سخنرانی مورد حمایت نباشد، اما این امر در برخی کشورهای عضو مقید به ثبت شده است. حال آنکه همین اندازه حمایت در حقوق ایران از صاحبان اثر در وضعیت مشابه به عمل نیامده است که جای خواهد داشت تا گامی برای این قبیل اشخاص برداشته شود (نعمتی، محمدی، حسینی مقدم، ۱۳۹۹: ۸). اساساً بسیاری از کشورها در مورد آثار شرط ثبت و امانت گذاری را لحاظ نموده اند، چنین شروطی می تواند برخی از منافع اثباتی را فراهم نماید، اما بر اساس کنوانسیون مذکور، ضرورت دارد که ثبت اختیاری باشد و انتفاع یا اجرای حقوق مؤلف را تحت تأثیر خود قرار ندهد (ویور، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

برخی اعمال و فعالیت ها که در حالت عادی توسط قوانین کپی رایت ممنوع می باشند، در شرایط خاصی که قانون مشخص می نماید، مجاز خواهند بود که با عنوان استثناء مورد بحث قرار می گیرند (مافی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۸۵). در مواد ۱۰ و ۱۰ مکرر کنوانسیون برن، مواردی با عنوان استثناء در نظر گرفته شده است که به موجب آن، دیگران تحت شرایط خاصی در بهره برداری از آثار پدیدآورندگان، آزاد می باشند و مسئولیتی گریبان گیر آنها نخواهد بود. موارد مذکور در کنوانسیون برن به شرح ذیل می باشد:

#### الف) موارد استفاده آزادانه از آثار

- **در ماده ۱۰ چنین مقرر شده است:**

۱. نقل از آثاری که قبلاً به طور مجاز در اختیار عموم قرار گرفته، مجاز است مشروط بر این که استفاده از نقل قول جنبه معقول داشته و با

اروپا اجازه دهد قوانینی را در خصوص تولید نسخه هایی تصویب نمایند که بدون مجوز هستند؛ البته تا هنگامی که برای مصارف شخصی و غیر تجاری باشد.

وضع قوانین و مقررات در راستای مبارزه با سرقت علمی، گوشه ای از فعالیت های اتحادیه اروپا بوده است و قسمت اعظم اعمال اتحادیه ی اروپا معطوف به تدوین سیاست هایی در راستای هماهنگی میان سیستم های پایش ملی و سیاست های داخلی مراکز علمی و پژوهشی، اتخاذ برنامه هایی جهت توسعه و تقویت جنبه های اخلاقی، آموزش، شفاف سازی و تعیین نحوه ی کنترل و پایش فعالیت های علمی، تضمین کیفیت در تمامی سطوح فعالیت های علمی، آموزش امانت داری علمی پیش از ورود به دانشگاه ها، راهنمایی های عملی برای پیشگیری و مقابله با سرقت علمی برای دانشجویان، آموزش نرم افزارهای پیشگیری و تشخیص سرقت علمی به دانشجویان و همچنین آموزش های تخصصی و ویژه به اعضای هیات علمی از جمله این موارد می باشد (دهنویه، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

## ۵ نتیجه گیری

سرقت علمی پدیده ای است که به موجب آن، آثار علمی و پژوهشی شخص پدیدآورنده بدون مجوز وی توسط دیگران مورد بهره برداری قرار می گیرد. در سرقت علمی و رعایت حق مؤلف، بخش های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و فردی نقش بسیار تعیین کننده ای دارند، برای مثال، با گسترش و پیشرفت فناوری های الکترونیکی به خصوص اینترنت و به موجب آن دسترسی سریع و کم هزینه به اطلاعات گوناگون، فقدان فرهنگ حفظ حقوق مؤلف را به خوبی نمایان نمود.

در کشور ایران، عواملی همچون فقدان سیستم آموزشی کارآمد و فرهنگ سازی صحیح از سطوح پایه، رواج فرهنگ تنبلی و تقلب، عدم آگاهی صحیح از مفهوم واقعی سرقت علمی، محدودیت زمانی و عدم توانایی لازم در امور علمی پژوهشی باعث گسترش پدیده ی سرقت علمی شده

بر اساس مفاد مواد قانونی مذکور در کنوانسیون برن، به نظر می رسد میزان استفاده مجاز از آفرینش های فکری متعلق به دیگران، محدود به میزانی است که عادتاً عقل آن را پذیرا و در نهایت قابل تسامح باشد؛ با این توصیف، مشخصات منبع و پدیدآورنده اثر باید ذکر گردد. کشورهای عضو اتحادیه ی مذکور، از این اختیار برخوردارند که میزان استفاده مجاز از آثار پدیدآورندگان را معین کنند؛ مشروط به اینکه میزان برداشت از آثار به گونه ای باشد که عقل آن را توجیه کند. در ارتباط با انتشار آثار ادبی هنری که به مناسبت گزارش و رویداد، شنیده یا دیده شده اند نیز در صورتی که هدف اطلاع رسانی به عموم باشد، کشورهای عضو کنوانسیون می توانند شرایط متفاوتی را نسبت به کنوانسیون وضع کنند و همچنین می توانند مجوز انتشار مقالات اقتصادی، سیاسی، مذهبی و انتشار آثار پخش شده رادیویی را در صورتی که صراحتاً از سوی پدیدآورنده اثر منع نشده باشد، صادر کنند.

گذشته از حاکمیت قوانین و مقررات کنوانسیون برن بر آثار ادبی هنری، قوانین خاص دیگری نیز در قوانین داخلی کشورها به تصویب رسیده است که از جمله آن می توان به قوانین حمایت قانونی از افشای سرقت علمی در کشورهای بلغارستان، فنلاند و فرانسه، قانون الزام دانشگاه ها به استفاده از نرم افزارهای معرفی شده جهت بررسی آثار مکتوب دانشجویان در کشور لیتوانی، قانون ثبت و نگهداری تخلفات علمی و انتشار آمار مربوط در کشورهای چک، اسلواکی، سوئد، اسپانیا و لهستان، قانون اتخاذ مجازات های عادلانه و متناسب با نوع خطا در کشورهای انگلیس، چک، اسپانیا و فرانسه اشاره کرد (دهنویه، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

در کشورهای اتحادیه ی اروپا قوانین کپی رایت، تا حدودی امکان دریافت محتوای محافظت شده از حق چاپ را برای استفاده شخصی و غیر تجاری تجویز می نماید. معافیت اشخاص از کپی رایت در قانون حق چاپ ناشی از دستورالعمل انجمن اطلاعاتی مصوب سال ۲۰۰۱ است، که به طور کلی طراحی شده است تا به اعضای اتحادیه ی



است که طبعاً باعث تغییر قوانین نیز می‌گردد و این مهم بسیار کارآمدتر خواهد بود به خصوص برای دانشجویانی که در امور علمی و پژوهشی از توانایی و استعداد لازم برخوردار نیستند و یا فرصت و حوصله کافی برای پژوهش ندارند و یا با شیوه و چگونگی نگارش یک اثر پژوهشی و علمی آشنایی ندارند.

در قوانین موضوعه کشور، قانون عامی با عنوان حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان وجود دارد که به جهت گذشت بسیار زیادی از زمان تصویب آن، کارایی کافی را ندارد؛ اما ماده واحده پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه ی آثار علمی مصوب ۱۳۹۶ و آیین نامه اجرایی آن نیز که در سال ۱۳۹۸ به مرحله ی اجرا رسیده است؛ گام مهمی در خصوص مقابله با تقلب و سرقت در آثار علمی می باشد و تا حدودی جنبه ی بازدارندگی دارد و اشخاص را به سمت و سوی پژوهش اصولی و اصیل دعوت می کند. با این وجود، پیشنهاد می گردد که شرایط لازم جهت فرهنگ سازی و آموزش مردم در راستای گسترش فرهنگ حفظ حقوق مؤلف فراهم گردد، بدیهی است که این مهم اثربخشی بسیار بیشتری دارد که منافع آن در سطوح گسترده جامعه مشخص خواهد شد. هر چند توجه به مقوله فرهنگ سازی و ایجاد اعتقادات اخلاقی در مقدمه قانون موصوف اخیرالتویب از نگاه مقنن دور مانده است؛ اما نباید از فرایند فرهنگ سازی و ترویج بعد اجتماعی ناپسندی تقلب علمی برای حصول نتیجه نا امید ماند و در این راه خطیر فرو نشست و صرفاً در انتظار ضمانت اجراهای قانونی بود.

اند. بطوری که امروزه عده ای تهیه ی کتب یا مقاله را در ازای دریافت حق الزحمه برای دیگران به عنوان حرفه ی خویش قرار داده و از این راه کسب درآمد می نمایند. بر همین اساس ماده واحده پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه ی آثار علمی در مقام مقابله با این سودجویان، ناقض اصول علم، اخلاق، فرهنگ و شرافت اجتماعی را مجرم شناخته و مستحق مجازات تلقی و امتیازات علمی حاصله را ملغی الاثر دانسته است. اما جای داشت در مقدمه یا صدر این قانون جدید التصویب، همانند پیش در آمد بسیاری از اسناد بین المللی که اهمیت آن بسیار بیشتر از خود سند است، عبارتی که مبین ترویج فرهنگ سلامت و احترام در حفظ و توجه به حقوق مالکیت فکری صاحبان اثر علمی و رعایت موازین اخلاقی اشاره می گردید که مورد تایید شرع نیز است. اثر این امر، هم باعث نهی ناقضان حقوق مالکیت فکری و اشخاص خاطی می شد و هم ارج نهادن به حقوق صاحبان اثر را به عنوان یک فرهنگ ارزشمند به همه اشخاص جامعه یاد آور می شد و همچنین بر میزان اثرگذاری قانون و تحقق رسالت اش که بیداری جامعه در پاسداشت حقوق دیگران است، گامی بر می داشت.

از جهت بعد فرهنگی رعایت حق مؤلف، تغییرات آرامی در کشور ایران به وقوع پیوسته، داندود قانونی کتاب و سایر آثار ادبی و هنری از پایگاه های اینترنتی ای که حق عرضه و انتشار اثر به آنها واگذار شده و همچنین گسترش سامانه های پژوهشی از جمله سامانه مشابهت یاب، بسیاری از دانشجویان را به سوی پژوهش اصولی سوق می دهد تا در نهایت هم حق مادی و هم حق معنوی مؤلف در امان بماند.

از لحاظ تقنینی نیز امروزه جوامع در حال گذر و تغییر از اعمال مجازات به سوی نظام آموزشی مناسب و پیشگیری از سرقت علمی می باشند. ایجاد یک سیاست مفید آموزشی به معنای شروع به تغییر در نظام فرهنگی

## منابع

### منابع فارسی

مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۱، ۱۲۱-۱۶۷، ۱۳۹۴.

شاکری، زهرا، «نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری با استفاده طنزگونه از آثار ادبی و هنری دیگران»، **مجله حقوق خصوصی**، دوره ۱۳، شماره ۱، ۸۷-۶۵، ۱۳۹۵.

شیخی، مریم، «ضمانت اجراهای حقوق مالکیت ادبی و هنری در حقوق ایران و موافقت نامه های بین المللی»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۰ و ۵۱، ۲۰۸-۱۷۷، ۱۳۸۴.

صفایی، سیدحسین، **دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت**، چاپ چهاردهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.

صفایی، سید حسین، علی امینی نژاد، «تحلیل فقهی و حقوق موانع امکان نقل و انتقال حق معنوی مؤلف»، **فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی**، سال سیزدهم، شماره ۴۷، ۴۸-۲۷، ۱۳۹۶.

کاتوزیان، ناصر، **مقدمه علم حقوق**، چاپ هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴.

کیوان آذری، آذر، «حقوق معنوی پدید آورنده»، **نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**؛ شماره ۲۲، ۱۳۶۰.

مافی، همایون، حمید ابهری، احمدعلی محسن زاده، بررسی استثنائات حقوق مالکیت ادبی و هنری با تأکید بر موافقتنامه تریپس، **فصلنامه حقوق پزشکی**، ۲۰۹-۱۸۳، ۱۳۹۵.

آرین پور، مهلا، ناهید محرابی، «الزامات و راهبرد های اخلاق حرفه ای در نظام آموزش عالی»، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، سال یازدهم، شماره ۴، ۴۳-۶۲، ۱۳۹۵.

آیتی، حمید، **حقوق آفرینش های فکری**، چاپ سوم، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.

اصغری آقمشهدی، فخرالدین، **درآمدی بر حقوق مالکیت فکری**، چاپ اول، بابلسر، انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۹۱.

امامی، اسدالله، **حقوق مالکیت معنوی**، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۳.

ایزدی فرد، علی اکبر، احمدعلی محسن زاده، «انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی هنری در فقه امامیه و حقوق ایران»، **فصلنامه حقوق پزشکی**، ویژه نامه حقوق مالکیت فکری، ۲۰۷-۱۸۳، ۱۳۹۳.

حبیبیا، سعید، زهرا شاکری، **منافع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

حسینی مقدم، سید حسن، احسان نعمتی، «اثرگذاری اخلاق در وضع قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری»، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، ویژه نامه نخستین کنگره اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳۹۶.

دهنویه، رضا، «پیشگیری از سرقت علمی»، **مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران**، دوره ۱۴، ۱۳۹۷.

صاحب، طیبه، «دشواری های حقوقی حاکم بر بهره برداری از آثار ادبی و هنری مجهول المالک»،

نعمتی، احسان؛ محمدی، سام؛ حسینی مقدم، سیدحسن، امکان سنجی حمایت از آفرینش های فکری ارائه شده در قالب سخنرانی با تأکید بر حقوق موضوعه کشور ایران و کنوانسیون برن، ارائه شده در نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، ۱۳۹۹.

نعمتی، احسان؛ محمدی، سام؛ حسینی مقدم، سیدحسن، نقض حقوق مالکیت فکری هنرمندان از سوی اپراتورهای تلفن همراه در قالب آهنگ پیشواز، ارائه شده در نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، ۱۳۹۹.

نعمتی، احسان (۱۳۹۶)، «تاریخچه پیدایش مالکیت های فکری و قوانین مرتبط با آن»، رؤیت شده در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۸ از پایگاه اینترنتی <https://www.samimnoor.ir/view/fa/ArticleView?itemId>

محمدی، پژمان، «دعوا و معیارهای نقض حق تکثیر پدیدآورنده»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، ویژه نامه حقوق مالکیت فکری، ۱۳۵-۱۶۰، ۱۳۹۱.

میر حسینی، سید حسن، مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.

واعظ جوادی آملی، اسماعیل، روانشناسی عمومی، چاپ اول، بابل، نشر دانشگاه آزاد بابل، ۱۳۸۹.

ویور، دیوید، قواعد کپی رایت، ترجمه شیما پور محمدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.

نعمتی، احسان، جبران خسارت ناشی از نقض مالکیت فکری در حقوق ایران و کنوانسیون برن، استاد راهنما: دکتر حمید ابهری؛ استاد مشاور: دکتر سام محمدی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، ۱۳۹۷.

## منابع لاتین

Aslam, M. S., and Nazir, M. S.. "Academic Dishonesty and Perceptions of Pakistani Students." **International Journal of Educational Management** 24, no. 7: 655-668. 2010.

Amy M.Adler, **Against Moral Rights**, California, Law Riview 263-300, Available at: <http://scholarship.law.berkeley.edu/california-law-review/vol97/iss1/6>.

Bamford, J., and Sergiou, K.. "International Students and Plagiarism: An Analysis of the Reasons for Plagiarism among International Foundation Students." **Investigations in University Teaching and Learning** 22: 17-22. 2005

Bista, K.. "Academic Dishonesty among International Students in Higher Education". In *To Improve the Academy*. Vol. 30. Resources for Faculty,

**Instructional and Organizational Development**, J. Miller and J. Groccia, 159-172. San Francisco, Calif.: Jossey-Bass. 2011.

Carroll, J.. **A Handbook for Deterring Plagiarism in Higher Education**, First Edition. Oxford, U.K.: Oxford Centre for Staff and Learning Development. 2002.

East, J.. Judging Plagiarism: A Problem of Morality and Convention. **Higher Education** 59: 69-83. 2010.

Gallant, T. B., Binkin, N., and Donohue, M.. "Students at Risk for Being Reported for Cheating." **Journal of Academic Ethics** 13, no. 16: 217-228. 2015.

Green, S.. "Plagiarism, Norms, and the Limits of Theft Law: Some Observations on the Use of Criminal Sanctions in Enforcing Intellectual Property Rights." **Hastings Law Journal** 54: 167-203. 2002.



Ha, L. P.. "Plagiarism and Overseas Students: Stereotypes Again?" **ELT Journal** 60, no. 1: 76-78. 2007.

Hatch, Rasell, **Stealing or Sharing?** Cross-Cultural Issues of Plagiarism in an open-source era, Teaching Theology & Religion, Volume 19, Issue 3, July 2016. Pp.264 - 275.

Hunt, R.. "Whose Silverware Is This? Promoting Plagiarism through Pedagogy (or Peter Piper Picked a Peck of Purloined Passages)." **In Plagiarism: Prevention, Practice, and Policy Conference 28-30. 2005.**

Smith and F. Duggan **Proceedings, eds.** Newcastle-upon-Tyne, U.K.: Northumbria University Press.A. P., 265-274. **2004**

Kerlinger, fred Nichols, **Foundations of behavioral research**, , third edition. 1986

Robinson, O. F.. **The Criminal Law of Ancient Rome.** Baltimore, Md.: Johns Hopkins University Press. 2000

**WIPO Copyright Treaty (WCT)**,. Available at: <http://www.wipo.int/about-ip/en/>  
Accessed 2017, Nov 21. 199